

## Āvāz i zāy

### Raven Augury

Here is a Persian text in verse which includes prognostications based on the direction of the cries of the raven and the four watches of the day.<sup>1</sup> It corresponds to the first part of the Indian *Kāka-jariti* ‘on the sounds of the crow’ –one Tibetan version in *Tanjur* carries this Sanskrit title.<sup>2</sup> There exists also another Persian version in prose of the same Indian text.<sup>3</sup>

Raham Asha

### آوازِ زاغ

می دهد اخبار غیب و راز هر یک را مدام.	زاغِ قاصد هر صباح از لطف حق بر خاص و عام
می دهد روزی هر کس را ز شاه و بیگسان.	حمد گویم مر خدایِ خالق و رازق جهان
قرب حق یابند هر کس از طفیل آن راست دین. <sup>۴</sup>	پس به گویم نعتهای رَحْمَةُ لِلْعَالَمِينَ
مهرشان در جان من چون بیفزاید استخوان.	معتقد از چار یاران نامشان ورد زبان
گوش کن از جان کنم پیش تو هر یک را بیان.	بعد زان گویم ندای زاغ و تأثیرش بدان
آن عبث نه بود، به گفتم با تو این حکم آشکار.	چون کند آواز زاغ از حکم قادر کردگار

### خاصیت آوازِ زاغِ پاسِ اول از روز

می دهد مزده پیاپی دولت و شادی مراد.	زاغ اول پاسِ روز از سوی شرق آواز داد
دشمنت گردد سیه‌رو، کار او باشد تباہ.	گر کند از سوی اگنی <sup>۵</sup> زاغ آوازی سیاه
می رساند مر تو را از غیب یکچیزی دگر.	گر به جانب نیرت <sup>۶</sup> آوازی کند، جان پدر،
خوش به عالم می خوری از دست یارِ مهربان	گر به جانب از جنوب آواز کرده زاغ دان
باد (و) باران می شود باشد هوا باغ و راغ.	گر به جانب مغرب آوازی کند یکتن کلاغ

<sup>1</sup> . Islamabad, Ganjibakhsh Library, the Codex 1133, 21-23.

<sup>2</sup> . See Berthold Laufer, “Bird divination among the Tibetans (Notes on document Pelliot N° 3530, with a study of Tibetan phonology of the ninth century)”, *T’oung Pao*, XV, Leiden, 1914, 1-110. See also Carole Morgan, « La divination d’après les croisements des corbeaux dans les manuscrits de Dunhuang », *Cahiers d’Extrême-Asie*, 3/3, 1987, 55-76.

<sup>3</sup> . بدانکه آوازِ کلاغ هر گاه خوبی و بدی کارها نماید و از بد و خوب خبر دهد ... (دست‌نوشته آن بهرام ایرانی، ۱۴-۱۵).

<sup>4</sup> . قرب حق یابند هر کس یک او از خالقین.

<sup>5</sup> . Skt. *agni-diś* Agni’s quarter, the direction between South and East, the south-east.

<sup>6</sup> . Skt. *nairṛti diś* Nirṛti’s quarter, the direction between South and West, the south-west.

می برد آن جا که جایِ راحت و شادی شود.  
می شود جنگ و جدل چون می نماید آن زمان.  
می دهد میوه کسی چون تحفه، پیش از نظر.

گر به جانب بایب<sup>۷</sup> آوازی کند مژده شود،  
گر کند آواز زاغ از جانب ایشان<sup>۸</sup> به دان<sup>۹</sup>  
می کند آواز بالا زاغ می گوید خبر،

### خواص آوازِ زاغ در پاسِ دوم از روز

دوستی آید کند کاری که دل خواهد مراد.  
عورتی زیبا بیاید فرح افزاید از آن.  
برگ یا گل سبزه داده یا کسی چون تحفه خوش.  
می دهد فرزند نیکو آن خداوندِ جهان.  
می برد جایب سفر، باشد در آن فتح و ظفر.  
می خوری خوش نعمتی مقصود جان یابی تمام.  
یا خبر از مرده گوید یا بود زحمت ضرر.  
یا به سوزد آتشی یا باد باران تیز بل.  
خوشخبر آید کسی از یارِ جانی مهربان.

گر تو را از سویِ مشرقِ زاغ خود آواز داد  
گر به جانبِ اگنی آوازی کند تحقیق دان  
گر به جانب از جنوبی زاغ کرد آوازِ خوش  
گر به جانب نیرت آوازی کند فرصت به دان  
گر کند از سویِ مغرب تو به دانی این خبر،  
گر کند از سویِ بایب خوش شنو ای نیکنام،  
گر به جانب از شمالی زاغ می گوید خبر  
گر کند آواز ایشان هم بود جنگ و جدل،  
گر کند بالا درختی زاغ او آواز دان

### خواص آوازِ زاغ در پاسِ سیوم از روز

می دهد مژده به یابی مال و دولت بیقیاس.  
پادشاهی یا کسی مودی تو را آگه کنم.  
عزتی یابی ز مهمان غم ز خانت می برد.  
می به یابی نعمتی از مهربان رُبِّ رَجیم.  
بر حذر باش از مخالف تا شوی مردِ خیر.  
خوشخبر یابی و شادی هر طرف از دوستان.  
خلعتی یابی ز شاهان یا بزرگان مال و زر.  
آتشی یا حادثه یا خوف دشمن نابکار.  
پادشاهان یا وزیران یا بزرگان نعمتی.

گر کند آواز زاغ از سویِ مشرقِ سیوم پاس  
گر کند آواز از اگنی خصومت ترس و غم  
گر به جانب از جنوبی زاغ آوازی کند  
گر کند آواز زاغ از طرف نیرت ای حکیم  
گر کند آواز زاغ از طرف مغرب ای پسر  
گر به جانب از شمال زاغ می گوید به دان  
گر به جانب بایب آوازی کند گوید خبر  
گر کند ز ایشان زاغ گوید آشکار  
گر کند آواز بالای به یابی خلعتی

### خواندنِ آوازِ زاغِ پاسِ چهارم از روز

مال و زر یابی ز حق از رنجهای پرخطر.  
خوشخبر یابی و شادی هر طرف از دوستان.  
خلعتی یابی ز شاهان و بزرگان مال و زر.  
آتشی یا حادثه یا خوف دشمن نابکار.  
از پلنگ و شیر یا گرگ و شغالت ای پسر.  
خوشخبر یابی ز مهمان و خیر و شادی بود.  
شادی و دولت به بینی از خدای باخبر.  
ذوقها بر تو بود او سرنگون افتد به خاک.

گر چهارم پاسِ روز از سویِ شرق آید خبر  
گر به جانب از شمال زاغ می گوید به دان  
گر به جانب بایب آواز کند گوید خبر  
گر کند آواز ایشان زاغ گوید آشکار  
گر به جانب اگنی آواز کند ترسی بود  
گر به جانب از جنوبی باد و باران می شود  
گر کند آواز زاغ از طرف نیرت ای پسر  
گر به جانب مغرب آوازی کند دشمن هلاک

<sup>7</sup> . Skt. *vāyu-dīś* Vāyu's quarter, *vāyavya dīś* the north-west.

<sup>8</sup> . Skt. *śiva-dīś* Śiva's quarter, *īśānā dīś* the north-east whose lord is Śiva.

<sup>9</sup> . السابلان.